

## در حاشیه اعتصاب پرستاران در نیویورک

موج تازه‌ای از مبارزات طبقاتِ فرودست جهان را درمی‌نوردد. رفته‌رفته غبار پاندمی کرونا فرو نشسته و آنچه بیش از پیش در افق مرئی شده است همان سازوکارهای تکراری و همیشگی نظم سرمایه‌دارانه برای مواجهه با بحران است: یعنی از سویی تحمیل فشارهای مضاعف در پوشش بحران بر گرده کارگران و از سوی دیگر سود جستن از بحران همچون فرصتی برای دامن‌زدن به رقابت‌های سرمایه‌دارانه. نظم سرمایه و ایدئولوژی پرده‌پوش آن می‌کوشد تا استثمار نیروی کار را در هزارتوی افسانه‌بافی‌های شبه-اخلاقی و شبه-روانشناختی خود پنهان کند. هنوز به یاد داریم که چطور در بحبوحه پاندمی کرونا صاحبان سرمایه و دولت‌های متبوع ایشان هم‌زمانی که خود را برای استثمار روزافزون طبقه جهانی کارگر برای تولید کالاهای بهداشتی-درمانی و سایر مقتضیات مادی عبور از بحران آماده می‌کردند، رسانه‌های ریاکارشان را به کار انداختند تا با تحریر روایت‌های اخلاقی تا سر حد ممکن از مسئولیت خود در قبال نیروی کار، به ویژه بخش‌های شاغل در مراکز بهداشتی-درمانی شانه خالی کنند. اما امروز، در میان اخبار اعتصابات که از شمال جهان به گوش می‌رسد -اعتصابات که در هفته‌های پایانی سال ۲۰۲۲ و نخستین هفته‌های سال ۲۰۲۳ در انگلستان، امریکا، فرانسه، کره جنوبی و ... رقم خورد و رشته آن هنوز نگسسته است- شعارهایی می‌شنویم که دلالت بر آن دارد که پرده ریاکاری سرمایه از پیش چشم طبقه جهانی کارگر بار دیگر بر زمین افتاده است.

مشارکت فعال پرستاران و دیگر کارگران حوزه بهداشت و درمان در اعتصابات اخیر چشمگیر بود. در هفته دوم ژانویه ۲۰۲۳ بیش از ۷۰۰۰ پرستار شاغل در دو بیمارستان بزرگ شهر نیویورک به نام‌های مرکز پزشکی مانتفیور و بیمارستان ماونت ساینی، اعتصابی سه روزه را سازماندهی کردند. خواسته پرستاران اعتصابی افزایش حقوق و افزایش استخدام پرستاران دیگر به علت شدت کار طاقت‌فرسای ایشان بود. به گفته نمایندگان ایشان برخی پرستاران در مدت شیفت‌های طولانی خود فرصتی برای غذا خوردن یا دستشویی رفتن ندارند. این روایت‌ها برای کارگران و پرستاران ایرانی که توحش سرمایه را با پوست و گوشت خود تجربه کرده‌اند البته که آشناست. هنوز از یاد نبرده‌ایم که چطور وزارت بهداشت دولت سرمایه در ایران در دوران کرونا قراردادهای ۸۹ روزه را با پرستاران باب کرد تا حتی مطابق قوانین سرمایه‌سالار خود، کوچک‌ترین تعهدی را نسبت به حقوق بدیهی ایشان

بر خود هموار نکند. هم‌چنانی که سرمایه در همه جای جهان از پیاده کردن منطق جهان‌روای خود امتناع نمی‌کند، طبقه کارگر نیز چاره‌ای جز آن ندارد تا در این رویارویی به یگانه ابزار خود متوسل شود: مبارزه طبقاتی.

مبارزه طبقات فرودست در گرو از هم گسستن افسانه‌پردازی‌هایی است که دستگاه ایدئولوژیک سرمایه پیوسته پیرامون هویت‌های آحاد کارگری می‌تند. این افسانه‌ها آن قدر پُرخلل، خودمتناقض و ریاکارانه هستند که اگر بازنمایی‌های شبانه‌روزی رسانه‌های مزدور عنکبوت‌وار ترمیمشان نمی‌کرد تا به تار به تار از یکدیگر گسسته می‌شدند. در همین مورد کرونا شاهد انواع و اقسام این دستکاری‌های ایدئولوژیک بودیم. از یک سو قطب‌بندی‌های جهانی دولت‌های سرمایه تنش خود را در شیوه نامیدن ویروس (ویروس «چینی») آشکار کرد، و از تحمیل سلسله مراتب خود به زنجیره‌های توزیع جهانی مایحتاج درمانی از جمله واکسن و دارو مضایقه نکرد. از سوی دیگر، برخورد با پاندمی مکرراً همچون «جنگی» بازنموده شد که پزشکان، پرستاران و کارگران بهداشت و درمان «سربازان» جان بر کف این نبرد بودند. سایر آحاد طبقه کارگر همچون نیروهای پشت سنگر به خط شدند تا با حفظ چرخه تولید و توزیع کالا «مهمات‌رسانی» به خط مقدم از شتاب نیفتد. افزایش شدت و مدت کار ضمن همین شرایط شبه-جنگی توجیه شد، آسیب‌های جانی طبقات کارگر «جان‌بازی و شهادت» نام گرفت، و این تصاویر جمله‌گی در فضا چرخید تا آن‌چه در حال وقوع بود از دیده‌ها دور بماند. همان‌قدر که جنگ ادامه سیاست است، استعاره جنگ نیز همچون ادامه سیاست عمل کرد تا چرخ‌دنده‌های استثمار در شرایط بحران از جنبش نیفتد. وقتی غبار کرونا فرونشست، جز تلفات جانی و مالی طبقات کارگر، تا چشم کار می‌کرد جابه‌جا توده انباشته‌تر و مترکم‌تر سرمایه دیده می‌شد.

در همین فراز و فرودهاست که طبقات کارگر رفته‌رفته می‌آموزند که نه با شبه-اخلاقیات سرمایه‌سالارانه و هویت‌های دروغین آن، بلکه به حکم اخلاق بالنده طبقاتی خود دست به عمل بزنند. در اعتصاب اخیر پرستاران بیمارستان‌های نیویورک مضامینی در گفته‌های نمایندگان ایشان بود که بر چنین درکی دلالت می‌کرد. یکی از پرستاران در جریان اعتصاب گفته بود: «تا همین دو سال پیش ما قهرمان بودیم. در حالی که همه‌چیز متوقف شده بود ما در خط مقدم شهر بودیم، و حالا ما باید کار خود را متوقف کنیم تا آن‌ها ارزش ما را برای بیماران و بیمارستان درک کنند.» نماینده‌ای دیگر گفته بود: «تا دیروز ما مثلاً قهرمان بودیم، حالا شما این‌طور با قهرمان‌هایتان تا می‌کنید». البته آن‌ها (بخوانیم سرمایه‌داران) بر ارزش پرستاران واقفند. اما این ارزش نزد ایشان نه هم‌چون نوعی گوهر ناب اخلاقی که احترام و تعهدی برمی‌انگیزد، بلکه هم‌چون معدنی بالقوه از نیروی کار

انسانی در معرض استثمار است. ریاکاری رسانه‌های سرمایه نیز با همین نکته آشکار می‌شود که هم‌چنان‌که انتظار می‌رود، هیچ تعهدی به قهرمان‌پردازی‌های پیشین خود در اوج بحران کرونا ندارند، و حالا که آب‌های پاندمی از آسیاب افتاده، خود را با مقتضیات تازه هماهنگ کرده‌اند تا قهرمان‌های تازه‌ای را پروار کنند.

مضمون دیگری که در این اعتصابات به چشم می‌خورد تأکید پرستاران به وجه اخلاقی دست کشیدن از کار بود. آتش‌بار ایدئولوژی سرمایه با تأکید بر وجه اخلاقی کار بهداشتی-درمانی، فی‌المثل تعهد به حفظ جان دیگر انسان‌ها، اعتصاب کارگران حوزه سلامت را تخطئه می‌کند. پرستاران در اعتصاب اخیر خود با این شعار دست از کار کشیدند که «برای حفظ سلامت بیماران اعتصاب می‌کنیم». ایشان می‌دانند که نباید تسلیم گفتارهای ایدئولوژیک سرمایه شوند که به انحاء مختلف می‌کوشد تا با در برابر هم قرار دادن منافع بخش‌های مختلف طبقه کارگر مبارزه ایشان را مخدوش کند. برای طبقه کارگر بدیهی است که نظم مسلطی که بار سلامت آحاد این طبقه را بر دوش تعداد کمی از هم‌طبقه‌ای‌های ایشان می‌گذارد، با تحمیل کار طولانی و شدید ایشان را می‌فرساید و در برابر اعتراضات ایشان به شبه‌استدلال‌های اخلاقی متوسل می‌شود، بیش از هر چیز خود در برابر هر سنجش‌گری اخلاقی رسوا و محکوم است. قرن‌ها کار جمعی و خلاق توده‌های کارگران امروز آن ثروت کافی را در جهان انباشته است که شرایط زیست انسانی‌تر هیچ کارگری در گرو استثمار کارگری دیگر نباشد. به گواه تاریخ، اخلاقی‌ترین عمل طبقه کارگر آن است که با سازماندهی مبارزات خود تا برآمدن دولت‌های کارگری در جای‌جای جهان، زمینه‌ساز اعاده این ثروت عمومی به تولیدکنندگان حقیقی آن و نسل‌های بعدی ایشان باشد.